

تاریخچه درختکاری در ایران باستان

۲۰ اسفند ۱۳۹۳ ساعت ۱۱:۵۰

در ایران از دیرباز کاشتن درخت و گیاه اهمیت خاص داشته و مورد توجه بوده ؛ چنانچه در نگاره ها و آثار باستانی مانند حجاری های دوره هخامنشی در تخت جمشید نماد درخت زندگی یا سرو دیده می شود.

در ایران از دیرباز کاشتن درخت و گیاه اهمیت خاص داشته و مورد توجه بوده ؛ چنانچه در نگاره ها و آثار باستانی مانند حجاری های دوره هخامنشی در تخت جمشید نماد درخت زندگی یا سرو دیده می شود.

سرو به دلیل اینکه درختی همیشه سبز است همواره در ایران از اهمیت خاصی برخوردار بوده است . سرو ۴۰۰۰ ساله در نزدیکی ابرقو (یزد) وجود دارد که آنرا سرو زرتشت هم می نامند. غیر از نگاره ها و حجاری ها در پارچه بافیها هم به گونه ای نماد گیاه یا درخت همان سرو خمیده که بعدها (ترمه) نامیده شد دیده میشود. در سایر هنرهای ایرانی مانند مینیاتور هم درخت جای ویژه ای دارد. در اوستا یکی از شش مرحله آفرینش را آفرینش گیاه می دانند.



کاشتن گیاه و درخت هم از قدیم در ایران رواج داشته است؛ چنانکه هر فرد زرتشتی به هنگام زایش و تولد فرزند خود موظف بود یک نهال (غالباً درخت سرو) را بکارد و درخت را به نام فرزند خود بنامد. همراه با بزرگ شدن نهال و درخت ؛ فرزند هم بزرگ و برومند میشد. این اندیشه هنوز هم بین زرتشتیان رایج است.



در تاریخ آمده است که ایرانیان از آغاز به درختکاری علاقه مند بوده اند و در ایران بوستان ها و باغ های آبادان بسیاری بوده است. ریشه این کار را می بایست در فرهنگ و حیانی ایرانیان جست.

چنان که بسیاری از مفسران قرآن بر این عقیده اند کورش کبیر یا همان ذوالقرنین قرآن است که عالم از شرق و غرب تحت حکومت وی بوده است. او بود که مردمان یاجوج و ماجوج را در شمال دریای کاسپین سرکوب کرد و آنان را به تمدن و آدمیت بازگرداند و او بود که به دستور و فرمان الهی مردمان شرق و غرب را به آیین توحید و یکتاپرستی فراخواند و او بود که یهودیان را اسارت رهایی بخشید و به هر کشوری در آمد آنان را به هدایت دعوت کرد و با آن که می توانست و خداوند چنان که در آیات بسیاری آورده است او را مجاز شمرده بود تا هر گونه خواست عمل کند ولی وی با این حکم کلی خداوند مردمان را به خاطر دین نکشت و تنها به دین دعوت کرد. او کسی است که دین را به دعوت در جهان پراکنده کرد و مردمانی که تحت حکومت وی در آمدند مجاز بودند که بر آیین خویش باشند ولی به آیین توحیدی که وی آن را تبلیغ می کرد گوش دهند.

این چنین مردی بزرگ و از اولیای به نام خداوند که در قرآن در سوره کهف از وی سخن به میان آمده است هر جایی می رفت دستور می داد تا باغ و بوستان هایی بسازند که از آن به پردایس و یا پردیس تعبیر می کرد. پردیس باغ هایی بزرگ با درختان تنومند با گل و بوستان های زیبا و نهادهای روانی در آن بود که در پیرامونش دیواری کوتاهی می کشیدند و در آن پردیس ها از پرندگان و جانوران به آزادی در آن می زیستند. این گونه است که وی ماموریت خویش را به خوبی انجام داد و دستور داد تا فرزندان و مردمان این گونه عمل کنند. این گونه است که تاریخ نویسان یونانی و رومی همواره از پردیس های ایرانی سخن گفتند و از درخت دوستی ایرانیان و این که چنین جاهای زیبایی را می سازند و آباد می کنند.

همین پردیس های ایرانی که به زیبایی با درختکاری و نهر سازی ساخته می شد از راه یونانیان و یهودیان وارد فرهنگ دینی شد و مردمان از فردوس های ایرانی بهشت های آخری را به یاد آوردند و نام های فردوس برای بهشت های آخری ساخته و معنا و مفهوم یافت.

این فرهنگ درختکاری و درخت دوستی و ایجاد همین پارک های کنونی که ما یادمان رفته است و نام های غیر ایرانی برای آن انتخاب کرده ایم فرهنگ ایرانی و دارای ریشه وحیانی است که پیش از این ذوالقرنین عرب ها و کورش ایرانی ها آن را ساخته و به حکم خداوندی به مردمان آموزش داده است.

درختکاری در فرهنگ ایرانی :

پاسارگاد، پایتخت کوروش، پایتختی در میان باغ سلطنتی یا در پردیس هاست که کاوش های باستان شناسی، سیستمی از آبیاری با استفاده از جوی ها و حوضچه را در آن جا نشان داده اند. پاسارگاد کهن ترین باغ ایرانی ست. این باغ چهار کرت دارد که با فضای موجود ساختار یک پارچه یی ایجاد کرده است. آب گذرهای مستقیمی باغ را تقسیم کرده اند و در واقع یکی از بنیادی ترین عوامل باغ های ایرانی یعنی «چهار باغ» در این باغ دیده می شود. الگوی چهار باغ از ماندگارترین اندیشه های هخامنشی ست که هم چون چهار نهر بهشت در باغ سازی ها و اندیشه های پس از خود تأثیر نهاد.

فردوسی در شاهنامه از باغ‌ها و مرغزارهایی سخن می‌گوید که در پیرامون آتشکده‌ی فیروزآباد وجود داشته و وابسته به این معبد بوده‌اند. در قسمت شرقی این عمارت باشکوه حوضی بود که آب‌هایی که از کوه جاری می‌شد از راه نه‌ری به طول هفت تا هشت کیلومتر در آن می‌ریخت. کاخ‌هایی که فردوسی به آن‌ها اشاره می‌کند همان کاخ‌های «قصر شیرین» هستند که به فرمان خسرو پرویز در گذرگاه اصلی‌یی که دشت بین‌النهرین را به فلات ایران می‌پیوست، ساخته بودند و به روایت یاقوت حموی، در آن‌ها باغ‌ها و کوشک‌های تفریحی، آب‌های روان، باغ حیوانات و مرغزارهایی بوده که در آن‌ها کم‌یاب‌ترین حیوانات آزادانه می‌زیسته‌اند و شکارگاهی برابر با یک‌صد و بیست هکتار در پیرامون آن‌ها بوده است. کاخی که هنوز «عمارت خسرو» نامیده می‌شود، شامل عمارت‌های دولتی و خصوصی شاه بود. کاخ در مرکز این «پردیس»، روی یک ایوان ساخته شده بود با دو راه‌پله‌ی قرینه مانند پلکان بزرگ تخت جمشید.



پردیس های ایرانی:

به طوری که از نوشته‌های مورخان یونانی به دست می‌آید، نزدیک به سه هزار سال پیش، پیرامون خانه‌های بیش‌تر ایرانیان را باغ‌ها احاطه کرده بودند و واژه‌ی پردیس به همان باغ‌های پیرامون خانه‌ها گفته می‌شده است. این شیوه برای سایر ملل نیز سرمشق شده و به دنبال آن این واژه‌ی فارسی به دوردست‌ها رفته است. به طوری که امروزه در زبان‌های یونانی و فرانسوی و سامی و دیگر زبان‌ها نیز با تغییرات و دگرگونی‌هایی به کار برده می‌شود.

امروزه این واژه در زبان یونانی به صورت Paradeisos به معنی باغ، و در زبان فرانسه به صورت Paradis و در زبان انگلیسی به صورت Paradise به معنی بهشت کاربرد دارد. نام دیگر این فضای سرسبز و دل‌انگیز باغ است.

ایرانی‌ها از قدیم به ساختن باغ‌ها و باغچه در حیاط‌ها و دور و بر بناها علاقه‌ی خاصی داشته‌اند. شاید خاطره‌ی میهن اصلی و خاستگاه قوم آریا منشاء این علاقه بوده است.

فرمانروایان شهرهای داخل ایران یا شهرهای قلمرو شاهنشاهی ایران در خارج، همه ملزم به ساختن چنین باغچه‌هایی بوده‌اند. مثلاً یکی از این پردیس‌ها در تخت جمشید بود که خشایارشا در هنگام بر شمردن نام بناهایی که ساخته، از آن یاد کرده است. واژه‌ی پردیس به معنای بهشت در زبان عربی به فردوس و در زبان‌های دیگر به پارادایز تبدیل شده است.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۳۵۲۴۴/باستان-ایران-درختکار-تاریخچه/>